



ادبیات پهلوی

احسان شواربی

دانشگاه تهران
ehsanshavarebi@gmail.com

Carlo G. CERETI. *La letteratura Pahlavi. Introduzione ai testi con riferimenti alla storia degli studi e alla tradizione manoscritta.* Milano: Mimesis (Simory. Collana di studi Orientali), 2001.

کارلو ج. چرتی. ادبیات پهلوی. ترجمه پانته آ ثریا. تهران: نشر فرزانه روز، ۱۳۹۵.

تصحیح و ترجمه و تحشیه و تحلیل، به قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی بازمی‌گردد. اولین تحقیق جامع در ادبیات پهلوی مقاله مفصل ادوارد ویلیام وست در جلد دوم کتاب اساس فقه اللغة ایرانی (اشتراسبورگ، ۱۸۹۶-۱۹۰۴) است که در آستانه ورود به قرن بیستم نوشته شده است.^۱ در قرن بیستم، با پیشرفت شاخه‌های گوناگون زبان‌شناسی تاریخی، از جمله ریشه‌شناسی و آواشناسی، و نیز افزایش آگاهی‌های تاریخی از ایران باستان، مطالعات پهلوی دستخوش تحولات اساسی شد. در میانه قرن بیستم، جهانگیر تاوادیا، کتابی روش‌مند درباره زبان و ادبیات پارسی میانه تألیف کرد (لایپتزیگ، ۱۹۵۶)^۲ که ترجمه فارسی دقیق و فصیحی از آن به قلم سیف‌الدین نجم‌آبادی، چند سال بعد، در تهران به چاپ رسید.^۳ پس از کتاب تاوادیا، تا چهار دهه، کتابی در تاریخ ادبیات پهلوی منتشر نشد، اما جستارهای کوتاهی در کتاب‌های مربوط به تاریخ زبان‌ها و ادبیات ایرانی نوشته شد، که از میان آنها باید به دو کار تحقیقی موجز، ولی سودمند، به زبان‌های روسی و انگلیسی اشاره کرد: نخست، فصل

کتاب ادبیات پهلوی اثری است از کارلو جووانی چرتی، ایران‌شناس برجسته ایتالیایی، استاد دانشگاه ساپینتزا در رم، و متخصص تاریخ و فرهنگ ایران باستان و زبان‌های ایرانی میانه. اصل این کتاب، به زبان ایتالیایی، در سال ۲۰۰۱ در میلان منتشر شده است. این کتاب، با وجود حجم نسبتاً اندکش (۲۶۲ صفحه در نسخه ایتالیایی، ۲۵۱ صفحه در ترجمه فارسی)، حکم کتاب راهنمای مرجعی را دارد، که کنار دست داشتن آن، نه تنها برای متخصصین زبان و ادبیات پارسی میانه (پهلوی)، بلکه برای پژوهشگران و دانشجویان دیگر حوزه‌های ایران‌شناسی، از جمله تاریخ ایران باستان، باستان‌شناسی، مطالعات ادیان ایران باستان و ادبیات فارسی، سودمند و بلکه لازم است. در نوشته حاضر، نخست نگاهی به ساختار و محتوای اصل کتاب، یعنی حاصل کار مؤلف، خواهیم داشت و سپس به بررسی و نقد ترجمه فارسی کتاب می‌پردازیم.



پیشینه تحقیقات علمی جدی بر متون پارسی میانه، اعم از

1. E.W. WEST. 'Pahlavi Literature'. In: *Grundriss der iranischen Philologie*. Band II. Ed. W. GEIGER, E. KUHN. Strassburg: Verlag von Karl J. Trübner, 1896-1904, pp. 75-129.
2. J.C. TAVADIA. *Die Mittelpersische Sprache und Literatur der Zarathustrier*. Leipzig: Otto Harrassowitz, 1956.
3. جهانگیر تاوادیا. زبان و ادبیات پهلوی (فارسی میانه). ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.

داده شده است.^۴ تقریباً همزمان با انتشار این نوشته ماتسوخ، کارلو چرتی مدخل ادبیات پهلوی را در دانشنامه ایرانیکا تألیف کرد، که در حقیقت نسخه انگلیسی چکیده‌ای از کتاب ادبیات پهلوی است.^۵

کتاب ادبیات پهلوی چرتی ساختاری نسبتاً متفاوت با نوشته‌های پیش از خود دارد. این کتاب با فصلی درباره زبان پارسی میانه، منابع عمده این زبان (کتیبه‌ها، نوشته‌های روی سکه‌ها و مهرها و ظروف، و کتاب‌ها)، مجموعه‌های عمده نسخه‌های خطی پهلوی، و تاریخچه تحقیقات و انتشارات در زمینه زبان، دستور، لغت و ادبیات پارسی میانه آغاز می‌شود (ص ۱۳-۲۱ در نسخه ایتالیایی، ص ۵-۱۷ در ترجمه فارسی). مطالعه این فصل تصویری کلی و جامع از پراکندگی مدارک و متون برجای مانده از دوره ساسانی و صدر اسلام در اختیار خواننده می‌گذارد. یکی از ویژگی‌هایی که این کتاب را ممتاز می‌کند، توجه و مذاقه نویسنده در نسخه‌های خطی پهلوی است. نه تنها در فصل نخست، بلکه در سایر فصول کتاب نیز، هر جا صحبت از متنی می‌شود، چرتی به نسخه‌های خطی موجود از آن متن نیز توجه دارد و آنها را با دقت بررسی و معرفی می‌کند.

فصل دوم به برگردان‌های پارسی میانه متون اوستایی می‌پردازد (ص ۲۳-۳۹ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۹-۳۱ در ترجمه فارسی). این فصل با درآمدی بر پژوهش‌های اوستایی و نظریات گوناگون درباره تاریخ ترجمه‌های اوستا آغاز می‌شود. در ادامه، نسخه‌های خطی موجود از ترجمه‌های پهلوی متون اوستایی به‌ایجاز معرفی می‌شوند و تاریخ کتابت آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس تاریخچه کوتاهی از تحقیقات و رویکردهای مکاتب اروپایی بر این متون ارائه شده است. در پایان این فصل، نمونه‌ای از این ترجمه‌های پهلوی، برای نشان دادن نثر و سبک متون ترجمه‌شده از اوستایی به پهلوی،

مربوط به متون پارسی میانه در کتاب مقدمه فقه‌اللغه ایرانی، شاهکار یوسیف اُرانسکی (مسکو، ۱۹۶۰)؛^۱ دیگر، فصل «ادبیات پارسی میانه»، به قلم مری بویس، در جلد مربوط به ایران‌شناسی از مجموعه دست‌نامه شرق‌شناسی انتشارات بریل (لیدن، ۱۹۶۸).^۲ در نیمه دوم قرن بیستم، کشفیات تازه از شرق جهان ایرانی توجه محققان را، بیش از پیش، به زبان‌های ایرانی میانه شرقی مانند بلخی و سغدی معطوف کرد. همچنین، در میان نوشته‌های پارسی میانه و پهلوی اشکانی (پارتی)، متون مانوی مکشوفه از ترفان توجه پژوهشگران را به خود جلب کرد و قلمرو مطالعات زبان‌های ایرانی میانه را به نحو چشم‌گیری گسترش داد. از این روی جاذبه متون پهلوی زردشتی در این دهه‌ها کمتر از قبل شد. با این حال، برخی از تحقیقات اساسی و منابع کلیدی درباره متون پهلوی در همین دهه دوم قرن بیستم نشر یافته‌اند. در اواخر همین قرن میلادی، احمد تفضلی تدوین کتاب جامع و روزآمدی با عنوان تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام را به زبان فارسی آغاز کرد، ولی درگذشت ناگهانی این دانشمند برجسته مانع تکمیل و انتشار این کتاب در زمان حیات او شد. نسخه نهایی این کتاب، در سال ۱۳۷۶، به کوشش ژاله آموزگار به چاپ رسید.^۳ تاریخ ادبیات ارزشمند تفضلی یکی از معدود کتاب‌های مرجع معتبر ایران‌شناسی در جهان است که به زبان فارسی نوشته شده و به‌خوبی نمایانگر تسلط و تبحر مؤلف به زبان‌ها و متون ایرانی باستان و میانه، به‌ویژه متون پارسی میانه زردشتی، است. کتاب موردبررسی در یادداشت حاضر چهار سال پس از تاریخ ادبیات تفضلی به چاپ رسیده است. چند سال بعدتر نیز، نخستین جلد پیوست از مجموعه تاریخ ادبیات فارسی (زیر نظر احسان یارشاطر)، با عنوان ادبیات ایران پیش از اسلام منتشر شد، که در آن بخش مفصلی، به قلم ماریا ماتسوخ، به ادبیات پهلوی اختصاص

4. M. MACUCH. 'Pahlavi Literature'. In: *A History of Persian Literature*. Ed. E. YARSHATER. Companion Volume I. *The Literature of Pre-Islamic Iran*. Ed. R.E. EMMERICK, M. MACUCH. London-New York: I.B. Tauris, 2009, pp. 116-196.

ترجمه فارسی: ماریا ماتسوخ. «ادبیات پهلوی». ترجمه نرجس بانو صبوری. در: تاریخ ادبیات فارسی. زیر نظر احسان یارشاطر. پیوست ۱. ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش رونالد اِمِریک و ماریا ماتسوخ. ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶-۲۳۵.

5. C.G. CERETI. 'Middle Persian Literature i. Pahlavi Literature'. In: *Encyclopaedia Iranica*. Ed. E. YARSHATER. Online access at: <http://www.iranicaonline.org/articles/middle-persian-literature-I-pahlavi>

1. И.М. Оранский. *Введение в иранскую филологию*. Москва: Издательство восточной литературы, 1960, с. 163-191.

ترجمه فارسی: ای.م. اُرانسکی. مقدمه فقه‌اللغه ایرانی. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸، ص ۱۶۳-۱۹۱.

2. M. BOYCE. 'Middle Persian Literature'. In: *Handbuch der Orientalistik 1.4.2.1: Iranistik. Literatur*. Ed. B. SPULER. Leiden-Köln: E.J. Brill, 1968, pp. 31-66.

۳. احمد تفضلی. تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۶.

به دست داده شده است.

چهار فصل بعدی، به شیوه مدخل‌های دانشنامه‌ای، مستقلاً به چهار متن مهم زردشتی به زبان پارسی میانه می‌پردازند. نخستین متنی که به آن پرداخته شده بلندترین متن موجود به زبان پارسی میانه، یعنی دینکرد، است (ص ۴۱-۷۸ در نسخه ایتالیایی، ص ۳۳-۶۸ در ترجمه فارسی). پس از معرفی کلی متن، نسخه‌های خطی موجود و تاریخچه تحقیقات درباره دینکرد، هر یک از هفت کتاب بازمانده از دینکرد (کتاب‌های سوم تا نهم)، در بخش‌های جداگانه‌ای، مستقلاً مورد بررسی دقیق محتوایی و زبانی قرار گرفته است. نکته قابل توجه در این فصل تحقیقات تازه خود مؤلف درباره کتاب چهارم دینکرد است، که در دهه ۱۹۹۰ نیز در دو مقاله به چاپ رسیده است. متنی که در فصل بعد بدان پرداخته شده، شکند گمانینگ و زار (گزارش گمان‌شکن)، نوشته مردان‌فرخ پسر اورمزدداد، است (ص ۷۹-۸۶ در نسخه ایتالیایی، ص ۶۸-۷۵ در ترجمه فارسی). سومین متن مورد بررسی کتاب بُندهش است (ص ۸۷-۱۰۵ در نسخه ایتالیایی، ص ۷۷-۹۸ در ترجمه فارسی). در این بخش، چرتی به معرفی کلیات متن بسنده نکرده و به تشریح محتوای یک‌یک فصول کتاب پرداخته است. متن چهارم گزیده‌های زادسپَرَم است، که در یک فصل مستقل به دقت مورد بررسی قرار گرفته است (ص ۱۰۷-۱۱۸ در نسخه ایتالیایی، ص ۹۸-۱۰۹ در ترجمه فارسی).

چهار فصلی که در ادامه آمده‌اند ترتیب موضوعی دارند. نخستین فصل موضوعی به ادبیات معادشناختی و آخرالزمانی می‌پردازد (ص ۱۱۹-۱۳۸ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۱۱-۱۲۸ در ترجمه فارسی). در این فصل به ارداویراف‌نامه، زند بهمن یسن، جاماسپ‌نامه و یادگار جاماسپی پرداخته شده است. در بررسی این متون نیز، به سیاق فصول پیشین، دست‌نویس‌های موجود از متون، تاریخچه تحقیقات و محتوای متون بررسی شده است. فصل بعد متون فقهی و تعلیمی زردشتی را مورد توجه قرار می‌دهد (ص ۱۳۹-۱۶۹ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۲۹-۱۵۶ در ترجمه فارسی). متون معرفی شده در این فصل عبارتند از دادستان دینی، نامه‌های منوچهر، روایات پهلوی ضمیمه دادستان دینی و بندش ایرانی، شایست نشایست و دادستان مینوی خرد. به دنبال این متون، فصلی به اندرنامه‌های پهلوی اختصاص یافته

که خسرو قبادان و ریدگ و دیگر متون کوچک غیردینی، متون منسوب به آذریاد مارسپندان، اندرز پوریوتکیشان، درخت آسوری، مادیان یوشت فریان، مادیان گجستگ ابالیس، نامه تنسر و عهد اردشیر را شامل می‌شود (ص ۱۷۱-۱۹۰ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۵۷-۱۷۶ در ترجمه فارسی). چهارمین فصل موضوعی به متون درباری، مانند کارنامه اردشیر بابکان، یادگار زیران، شهرستان‌های ایران‌شهر، شگفتی‌ها و جاذبه‌های سیستان و گزارش شطرنج، می‌پردازد (ص ۱۹۱-۲۰۵ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۷۶-۱۸۹ در ترجمه فارسی).

فصل بعد به کتاب حقوقی مادیان هزار دادستان اختصاص یافته است و دست‌نویس‌ها و محتوای این متن را بررسی می‌کند (ص ۲۰۷-۲۱۴ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۹۱-۱۹۸ در ترجمه فارسی). آخرین فصل کتاب به فرهنگ‌نویسی پارسی میانه می‌پردازد و دو متن فرهنگ پهلوی و فرهنگ اویم ایک (یا اویم ایوک) را به اختصار معرفی می‌کند (ص ۲۱۵-۲۱۸ در نسخه ایتالیایی، ص ۱۹۹-۲۰۳ در ترجمه فارسی). در انتهای کتاب ادبیات پهلوی، کتابنامه و نمایه اشخاص و اماکن و متون آمده است.

کتابنامه مفصل انتهای کتاب (ص ۲۱۹-۲۴۷ در نسخه ایتالیایی، ص ۲۰۷-۲۳۴ در ترجمه فارسی) به خوبی نمایانگر بهره‌گیری مؤلف از منابع قدیم و جدید به زبان‌های گوناگون است و نشان از شیوه دیرینه دانشمندان ایتالیایی در کتابشناسی دارد، که جزئی‌ترین منابع، به هر زبانی که باشد، از چشمشان دور نمی‌ماند. شیوه‌ای که چرتی در تمام فصول کتاب در پیش گرفته چنین است که در ابتدای هر فصل و هر زیرفصل، فهرستی از منابع مربوط به موضوع مورد بررسی در آن فصل را آورده است؛ بنابراین، خواننده‌ای که به سراغ فصل مربوط به یک متن خاص برود، در همان ابتدای فصل، فهرستی از چاپ‌ها، ترجمه‌ها و تحقیقات صورت گرفته درباره آن متن را پیش چشم خواهد داشت. آنچه کتاب چرتی را، به لحاظ کتابشناختی، در میان تألیفات بیشتر ایران‌شناسان فرنگی ممتاز می‌سازد، توجه و استفاده او از منابع فارسی محققان ایرانی است. متأسفانه، بسیاری از دانشمندان غربی معاصر به منابع پژوهشی فارسی بی‌توجهی می‌کنند، ولی چرتی، با دقت فراوان، غالب پژوهش‌های جدی، چاپ‌ها و ترجمه‌های فارسی محققان ایرانی از متون پارسی میانه را گرد آورده و در

در ترجمه فارسی این چهار فصل به دو فصل تقلیل یافته‌اند، به این ترتیب که فصل شکند گمانیگ و زار به بخشی از فصل دینکرد بدل شده و فصل گزیده‌های زادسپرم بخشی از فصل بندهش محسوب شده است. همچنین فصل مستقل «ادبیات درباری» ذیل فصل پیش از خود با عنوان «اندر زنامه‌ها» قرار گرفته است. عنوان فصل مربوط به فرهنگ‌نویسی نیز در فهرست کتاب از قلم افتاده است.

اما برسیم به ایرادات ترجمه. از پرگویی خودداری می‌کنیم و از ذکر اشکالات کوچک و بدفهمی‌های جزئی مترجم می‌گذریم، چراکه صفحه‌ای از کتاب نیست که عاری از این قبیل اغلاط باشد. ابتدا می‌پردازیم به آزاردهنده‌ترین مشکل کتاب، یعنی ضبط مغلوط مکرر اعلام، به‌ویژه نام محققان: برای مثال «دوبلويس» به جای «دوبلوا»، «دومناس» به جای «دومناش»، «راستورگوا» به جای «راستارگوپوا»، «سلمن» به جای «زالمان»، «گرنیت» به جای «گرنه»، «ماکوچ» به جای «ماتسوخ»، «مولچانوا» به جای «مالچانوا»، «مورگن شتیرنه» به جای «مُرگستیرنه»، «نیبهر» به جای «نیبور»، «وسترگارد» به جای «وسترگور»، «هوگ» به جای «هاوگ»، «هاتر» به جای «هوتر»، «هونگ من» به جای «هونیکمان»، «هویس» به جای «هویزه»، «جوزفسون» به جای «یوزفسُن» و غیره. تا اینجا را می‌توان به حساب ناآشنایی مترجم با زبان‌های دیگر گذاشت، ولی در میان نام‌های محققان ایرانی نیز چنین اشتباهاتی دیده می‌شود؛ مثلاً نام‌های منصور شکی و کیوان دهقان مکرراً «شاکي» و «دهگان» نوشته شده است. آشنایی با غالب این نام‌ها حداقل انتظاری است که می‌توان از یک دانشجوی نوآموز رشته ایران‌شناسی یا زبان‌های باستانی ایران داشت و اکنون جای افسوس است که مترجم این کتاب، که به گفته خودش (مقدمه مترجم، ص چهارده)، شاگرد نویسنده کتاب بوده و طبعاً در رشته ایران‌شناسی تحصیل کرده، با این اسامی بیگانه است.

ضبط غلط اسامی در ترجمه فارسی کتاب، تنها به این چند نام محدود نمی‌شود، بلکه املاء، ترجمه یا توضیح نام برخی از اماکن، مؤسسات، مجموعه‌ها و کتاب‌ها نیز مغلوط است. گذشته از این قبیل اغلاط در ترجمه اعلام و عناوین، در چند جای کتاب، عبارات یا جملاتی حذف شده یا به گونه‌ای تغییر یافته که موجب فوت محتوا شده است. در اینجا، صرفاً به آوردن

کتاب خود از آنها استفاده کرده است. فایده دیگر این کتاب برای محققان غیرایتالیایی، معرفی بسیاری از منابع کمیاب به زبان ایتالیایی است، که معمولاً، نسبت به منابع انگلیسی و آلمانی و فرانسوی، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرند. به‌ندرت می‌توان چاپ یا ترجمه‌ای از یک متن پهلوی را سراغ گرفت که در این کتاب مورد ارجاع نباشد.



اما پردازیم به ترجمه فارسی کتاب. انتشار ترجمه فارسی چنین کتاب پرفایده و پراهمیتی، بی‌تردید باید اسباب خوشحالی و امیدواری پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های مرتبط با ایران‌شناسی باشد؛ به‌ویژه بدین جهت که نسخه اصلی کتاب به زبان پرمخاطبی مانند انگلیسی، یا حتی به آلمانی یا فرانسوی، نوشته نشده است، بلکه به زبان ایتالیایی است، که در میان محققان ایرانی کمتر کسی با آن آشنایی کافی دارد. لیکن ترجمه فارسی کتاب، بر خلاف انتظار، متأسفانه از فرط آشفتگی و احتوا بر اغلاط گوناگون ترجمه‌ای و مطبعی، وضعیتی بس نومیدکننده دارد. گذشته از بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌های پرشمار مترجم، که در جای خود به آنها خواهیم پرداخت، وضعیت چاپ کتاب نیز چندان رضایت‌بخش نیست. ظاهراً ترجمه فارسی کتاب، پیش از چاپ، از چشم هیچ ویراستار یا نمونه‌خوانی نگذشته است، تا دست‌کم ایرادات فراوان انشایی و سجاوندی متن مترجم را اصلاح کند. البته این انتقاد بیشتر به ناشر معتبر و خوش‌نام کتاب وارد است. دریغ که ضعف انشاء و فقدان ویرایش فنی تنها محدود به کتاب حاضر نیست، بلکه متأسفانه در بیشتر کتاب‌های ایران‌شناسی انتشارات فرزانه روز که در چند سال اخیر انتشار یافته‌اند، دیده می‌شود. کوچک‌ترین اشتباه سجاوندی کتاب نقطه زائدی است که پس از نام کوچک مؤلف بر روی جلد کتاب آمده است، انگار که «کارلو.» گونه مختصر نام بلندتری باشد!

یکی از آشفتگی‌های اساسی در چاپ فارسی، برهم خوردن فصل‌بندی کتاب است. در متن ایتالیایی کارلو چرتی، پس از فصل مربوط به ترجمه‌های پهلوی متون اوستایی، چهار فصل مستقل، به ترتیب، به چهار متن پهلوی دینکرد، شکند گمانیگ و زار، بندهش و گزیده‌های زادسپرم اختصاص یافته است.

- چند مثال از دو فصل نخست کتاب بسنده می‌کنیم.
- ص ۵. صورت اختصاریِ عنوانِ روسیِ مجموعهٔ مقدمات زبان‌شناسی ایرانی^۱ باید «آسنوی» باشد، که به اشتباه «آزنوی» نوشته شده است.
 - ص ۷. در نخستین بندِ مربوط به کتیبهٔ پایکولی، جملهٔ آخرِ بند به حرف ربط «که» ختم شده است و ناتمام می‌نماید.
 - ص ۸. پانویس ۲ چنین است: «نام مقاله: Corpus Inscriptionum Iranicum». نخست اینکه محل ارجاع با محتوای پانویس فاقد ارتباط منطقی است. دوم اینکه عنوان مذکور در این پانویس نام مقاله‌ای نیست، بلکه عنوان لاتین مجموعهٔ مشهور «پیکرهٔ کتیبه‌های ایرانی» است، که مجلدات متعددی از آن تا کنون به چاپ رسیده است. سوم اینکه واژهٔ آخر در عنوان لاتین باید با املای Iranicarum نوشته شود.
 - ص ۹. در ابتدای صفحه، در فهرست چهار کتیبهٔ کردیر، عنوان اختصاری KKZ به کازرون تعبیر شده است؛ در حالی که این اختصار برای کتیبهٔ کردیر بر دیوارهٔ کعبهٔ زردشت در نقش رستم است و کردیر اصلاً کتیبه‌ای در کازرون ندارد.
 - ص ۱۲. در جمله‌ای که از کارهای گوبل و گیزلن یاد شده، به جای عبارت «مُهرها و اثرِ مُهرها»، آمده است «نقش برجسته‌ها و حجاری‌ها»، که محتوای جمله را به کلی متفاوت و نادرست کرده است.
 - ص ۱۳. در نخستین جملهٔ این صفحه عبارتی به شکل «کتابخانهٔ K.R. انستیتوی شرق‌شناسی کاما» آمده است، که ظاهراً ترجمهٔ عنوان انگلیسی K.R. Cama Oriental Institute است. این مؤسسهٔ شرق‌شناسی در بمبئی به یاد خورشیدجی رستم‌جی کاما، محقق زردشتی اهل هندوستان، نامگذاری شده است و K.R. اختصار نام اوست. بنابراین، عبارت مذکور در متن باید بدین صورت به فارسی برگردانده شود: «کتابخانهٔ مؤسسهٔ شرقی خ. ر. کاما».
 - ص ۱۴. عنوان لاتین مجموعهٔ *Codices avestici et pahlavici* به «دست‌نوشته‌های *Bibliothecae Universitatis Hafniensis*»
۱. *Основы иранского языкознания.*

2. *Grundriss der iranischen Philologie.*

شطنج از الگا چوناکوا (مسکو، ۲۰۰۱)، تصحیح و ترجمه انگلیسی و فارسی شهرستان‌های ایرانشهر از تورج دریایی (گستامز، ۲۰۰۲)، آوانویسی و ترجمه انگلیسی گزارش شطنج از تورج دریایی (آکسفورد، ۲۰۰۲)، تصحیح و ترجمه فرانسوی کارنامه اردشیر بابکان از فرانتس گرُنه (دی، ۲۰۰۳)، آوانویسی و ترجمه فارسی سور سخن از کتابیون مزداپور (تهران، ۱۳۸۳)، تصحیح بندهش از فضل‌الله پاکزاد (تهران، ۲۰۰۵)، آوانویسی و ترجمه انگلیسی سور سخن از تورج دریایی (پاریس، ۲۰۰۷)، ترجمه فارسی یادگار زیران از ژاله آموزگار (تهران، ۱۳۹۲)، تصحیح و ترجمه فرانسوی خسرو قبادان و ریدگ از سمرا آذرنوش (پاریس، ۲۰۱۳)، تصحیح یادگار جاماسپی از دومینیکو آگوستینی (رم، ۲۰۱۳)، تصحیح‌ها و ترجمه‌های برخی دیگر از متون پهلوی از بیژن غیبی، رهام‌اشه، سعید‌عریان و غیره. با وجود تعدد کتاب‌ها و مقالات منتشرشده درباره متون پهلوی در پانزده سال اخیر، بسیار سودمند می‌بود اگر در مقدمه یا مؤخره‌ای بر ترجمه فارسی، تحقیقات انجام‌شده در این سال‌ها مرور می‌شد و فهرستی از انتشارات تازه به دست داده می‌شد، تا خوانندگان فارسی‌زبان، که برای نخستین بار در سال ۱۳۹۵ این کتاب را می‌دیدند، راهنمای روزآمدی در اختیار می‌داشتند.

- O. M. ЧУНАКОВА. *Пехлевийская божественная комедия*. Москва: Издательская фирма «Восточная литература» РАН, 2001.
- T. DARYAEE. *Šahrestānīhā ī Erānšahr. A Middle Persian Text on Late Antique Geography, Epic, and History*. Costa Mesa, CA: Mazda Publishers, 2002.
- T. DARYAEE. 'Mind, Body, and the Cosmos: Chess and Backgammon in Ancient Persia'. *Iranian Studies* 35/4. 2002, pp. 281–312.
- Fr. GRENET. *La geste d' Ardashir fils de Pābag. Kārnamag ī Ardaxšēr ī Pābagān*. Die: Éditions A Die, 2003.
۶. کتابیون مزداپور. «سور سخن». فرهنگ ۵۱-۵۲. پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۰۳-۱۳۰.
- F. PAKZAD. *Bundahišn. Zoroastrische Kosmogonie und Kosmologie*. Band I. *Kritische Edition*. Tehran: Centre for the Great Islamic Encyclopaedia, 2005.
- T. DARYAEE. 'The Middle Persian Text Sūr ī Saxwan and the Late Sasanian Court'. In: *Des Indo-Grecs aux Sassanides: données pour l'histoire et la géographie historique*. Ed. R. GYSELEN. Res Orientales XVII. Bures-sur-Yvette: GECMO, 2007, pp. 65–72.
- ژاله آموزگار. یادگار زیران. تهران: انتشارات معین، ۱۳۹۲.
- S. AZARNOUCHE. *Husraw ī Kawādān ud Rēdag-ē. Khosrow fils de Kawād et un page*. Cahier de Studia Iranica 49. Paris: Association pour l'avancement des études iraniennes, 2013.
- D. AGOSTINI. *Ayādgar ī Jāmāspīg. Un texte eschatologique zoroastrien*. Biblica et Orientalia 50. Roma: Gregorian and Biblical Press, 2013.

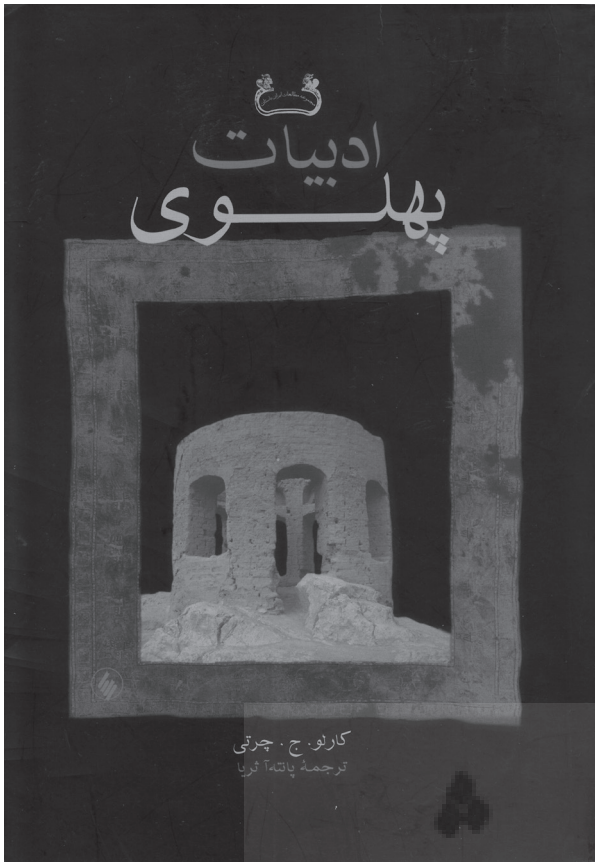
در قرن نوزدهم). نخست آنکه «مجموعه کتاب‌هایی» با این عنوان وجود ندارد، بلکه عنوان از آن کتابی از بیلی است، که شش خطابه بلند را در خود جای داده است. دوم آنکه عنوان درست این کتاب مسائل زردشتی در کتاب‌های قرن نهم^۱ است.

ص ۳۰-۳۱. در پایان فصل ترجمه‌های پهلوی متون اوستایی، مؤلف بخشی را به نقل یک نمونه از متون دوزبانه اختصاص داده است تا ویژگی‌های زبانی ترجمه پهلوی را در خود متن نشان دهد. خود مؤلف در همان ابتدا توضیح داده که در اینجا مضمون متن مورد نظرش نیست و هدف او تنها تبیین فن ترجمه است. با این حال، گویا مترجم این نکته را دریافته و متن پهلوی مورد نظر را، سهل‌انگارانه، با ترجمه فارسی ابراهیم پورداود از اصل متن اوستایی جایگزین کرده است. بدین ترتیب، عملاً فایده زبانی مورد انتظار از این بخش به کلی زائل شده است.

چنانکه بالاتر اشاره کردیم، این موارد فقط چند مثال از اشکالات ترجمه دو فصل نخست کتاب است. این وضعیت آشفته و مغلوط بر سایر فصول کتاب نیز، به همین شکل، حاکم است. نقل مثال‌های بیشتر و پرداختن به اشکالات دستوری و نگارشی مترجم در اینجا تنها اسباب اتلاف وقت و درد سر خواننده خواهد بود. در چنین وضعیتی، ضروری است که ناشر، پیش از تجدید چاپ این کتاب، فکری اساسی برای ویرایش فنی و محتوایی ترجمه فارسی کند. در غیر این صورت، انتشار ترجمه فارسی این کتاب به شکل کنونی بسیار کم‌فایده، بلکه گمراه‌کننده و ناصواب است.

از اشکالات ترجمه که بگذریم، لازم است نکته دیگری را یادآور شویم و آن تاریخ انتشار کتاب است. نسخه ایتالیایی کتاب در سال ۲۰۰۱ به چاپ رسیده است و ترجمه فارسی آن در سال ۱۳۹۵، یعنی با پانزده سال فاصله. در طول این پانزده سال، چاپ‌های انتقادی و ترجمه‌های تازه‌ای از برخی متون پهلوی انتشار یافته، که سبب حل برخی مشکلات چاپ‌های پیشین این متون شده است. برای مثال: حرف‌نویسی و ترجمه روسی ارداویراف‌نامه، اندرز اوشنر دانا، یادگار زیران، خسرو قبادان و ریدگ، درخت آسوری و گزارش

1. *Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books*.



در پایان لازم است از کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام زنده‌یاد احمد تفضلی یاد کنیم، که گرچه دو دهه از تاریخ انتشارش می‌گذرد، هنوز در میان تألیفات فارسی برجسته و ممتاز است. بخش عمده این کتاب نیز به ادبیات پهلوی اختصاص دارد و در فصولی که با محوریت موضوع متون مرتب شده‌اند، به تمام متون شناخته‌شده موجود پرداخته شده است. چنانکه کارلو چرتی در پایان فصل نخست کتاب ادبیات پهلوی اشاره کرده است، کتاب زنده‌یاد تفضلی را دیرتر از آنی به دست آورده بوده که بتواند به شکل اصولی و مانند سایر مراجع خود از آن استفاده کند. اکنون که کتاب مهم و سودمند ادبیات پهلوی کارلو چرتی از ایتالیایی به فارسی ترجمه و منتشر شده است و محققان ایرانی با این کتاب ارزشمند آشنا شده‌اند، لازم است که متقابلاً یکی از ایران‌شناسان فرنگی مسلط به زبان فارسی نیز همت کند و کتاب تاریخ ادبیات زنده‌یاد تفضلی را به یکی از زبان‌های علمی اروپایی ترجمه کند تا پژوهشگران فرنگی نیز از آن بهره‌مند شوند و از فعالیت‌های علمی محققان ایرانی اطلاع یابند.

ضمیمه‌های گزارش میراث

یادداشتی بر چاپ نسخه برگردان فرهنگ المُلخَص فی اللّغة

مسعود قاسمی

فرهنگ المُلخَص فی اللّغة، تألیف «ابوالفتح حمدین احمدبن حسین بادی» معروف به «کافی»، یکی از فرهنگ‌های کهن نسبتاً مختصر عربی-فارسی از سده هفتم هجری است. چاپ نسخه برگردان این فرهنگ (دستنویس شماره ۹۴۵۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت ۸۶۸۴) توسط انتشارات میراث مکتوب و با مقدمه‌ای از محمود جعفری دهقی منتشر شده است. در ضمیمه پیش رو، مقدمه چاپ پیش گفته مورد نقد قرار گرفته است و افزون بر آن، ویژگی‌های لغوی و واژگان خاص این فرهنگ استخراج و بررسی شده‌اند.